



حیات رایید

خبرنامه نشر رایید
شماره چهارم، بهمن و اسفند ۱۴۰۴



شیاطین و قدیسان

«قرار بود ریتم وارد زندگی‌ام شود. ریتم روتنبرگ، بتهوون، استونز.
ریتم خدا، و ریتم شیطان، چون تنها نقطه اشتراک این دو همین است.»

- «اوتوگی-زوشی: افسانه‌های اوسامو دازای»
مجموعه‌ای از بازنویسی چهار افسانه مشهور ژاپنی
- زیبایی نهفته در ناپایداری و مینیمالیسم سرد مارسل تورو
- استند نوولا، فرصتی ویژه برای کتابفروشی شما
- نوروز در خانه هشت اتاقی رایید

شناسنامه

سر دبیر:
نسرین کیایی

همکاران این شماره:
اصغر نوری
انوش دلاوری

مدیر هنری:
محمد رسول شکرانی

صفحه آرایی:
لیدا تکبیری



که بی‌وقفه تصویر می‌سازد؛ تصویرهای دقیق و شفاف از زندگی واقعی و همین‌طور تصویرهای شاعرانه و خیالی از دنیایی که قهرمان‌های هنرمند و شاعرمسلک او تصور می‌کنند. رمان بعدی آندره‌آ، صد میلیون سال و یک روز، سفر سه پیرمرد برای یافتن اسکلت دایناسوری غول‌پیکر در کوهستانی منجمد بود که در نهایت، به سفری برای رسیدن به آرامش از راه مواجهه با خود و پذیرش خود واقعی تبدیل شد.

شیاطین و قدیسان، تلاقی چند مؤلفه آشنای دنیای داستانی آندره‌آ است: موسیقی، نوجوانی، عشق و مذهب. در این رمان نویسنده از سالخوردگی شخصیت اصلی در زمان معاصر آغاز می‌کند و برمی‌گردد به سال‌های دو دهه شصت و هفتاد تا نوجوانی او را روایت کند. این روایت به کشفی منجر خواهد شد تا بتوانیم به هویت فعلی او معنا بدهیم؛ هویتی عجیب و غریب: پیرمردی که هر روز با پیانوهای عمومی ایستگاه‌های قطار یا فروشگاه‌ها و حتی فرودگاه‌ها همیشه یک آهنگ ثابت را استادانه می‌نوازد. گرچه موسیقی سایه بلندی روی این رمان انداخته، اما مضمون اصلی آن مبارزه برای رهایی است، و عشق؛ عشق از هر نوعی، به هر شکلی، چون تنها عشق می‌تواند نجات‌بخش باشد. این رمان سال ۲۰۲۱ منتشر شد و ده‌ها جایزه برای آندره‌آ به ارمغان آورد. مخاطبان ادبیات، از هر طیف و سلیقه‌ای، استقبال گرمی از آن به عمل آوردند و با ترجمه این رمان به چند زبان دیگر، ژان باتیست آندره‌آ به نویسنده‌ای جهانی بدل شد. سال ۲۰۲۳، آندره‌آ با رمان مراقبش باش برنده معتبرترین جایزه ادبی فرانسه، گنکور، و چند جایزه دیگر شد. از نظر بسیاری از منتقدان ادبی، ژان باتیست آندره‌آ با همین چهار رمان روح تازه‌ای به ادبیات معاصر فرانسه بخشیده است و قدرت قصه‌گویی او یادآور نویسنده‌های بزرگی مثل ژان ژینونو است.

شیاطین و قدیسان

تلاقی موسیقی، نوجوانی، عشق و مذهب

نویسنده: اصغر نوری

مترجم رمان «شیاطین و قدیسان»

ژان باتیست آندره‌آ نویسنده، فیلمنامه‌نویس و کارگردان فرانسوی، متولد ۱۹۷۱. بعد از تحصیل در رشته‌های علوم سیاسی و سینما، به‌عنوان فیلمنامه‌نویس و کارگردان وارد سینمای حرفه‌ای شد و فیلم‌هایش بیشتر در ژانرهای فانتزی و وحشت بودند. رمان اولش را سال ۲۰۱۷ منتشر کرد؛ ملکه من که همان سال برنده ده جایزه ادبی شد. این رمان روایت یک عشق بی‌همتا بین دو نوجوان بود و مؤلفه‌های داستانی آندره‌آ را معرفی کرد: دنیای کودکی و نوجوانی (او درباره نوجوان‌ها می‌نویسد اما نه برای نوجوان‌ها)، هنر، عشق و جست‌وجوی هویت. همه این مؤلفه‌ها با زبانی روان و شاعرانه در هم می‌آمیزند، زبانی





شروع رمان شیاطین و قدیسان:

هستید، آبی هستید، قرمز، سبز، شما رنگین کمان اید. دور پیانوهای من می چرخید، گیج و منگ، چون من پول نمی خواهم. برای همین به من نزدیک می شوید. همه شما یک سؤال واحد می پرسید:

مردی مثل شما این چای کار می کنه؟

یعنی چی، «مردی مثل من»؟ و معمولاً این طور جواب می دهید، چیزی شبیه این: مردی مثل شما، که سرووضع خوبی داره، حتی اگه فراموش کرده باشین که گونه چپتون رو اصلاح کنین. مردی که خوب لباس پوشیده، حتی اگه مدل کراواتتون کمی قدیمی باشه. دست آخر، مردی که مثل شما پیانو می زنه. شما مثل خدا می نوازین، شاید برای اون می نوازین؟ آدم استعدادی مثل استعداد شما رو تو ایستگاهها و فرودگاهها هدر نمی ده. شما مثل پیاپیست هایی می نوازین که مردم رو تو سالن های بزرگ ارغوانی رنگ جادو می کنن. ولی شما فقط آسفالت خیس و نمدهای تر رو جادو می کنین. حق با شماست، خانم. نکته خوبی بود، آقا. صحنه های من بوی ریل و پارافین می دهند. تالارهای کانگی هال و اسکالای من اسم شان مونیاناس و رواسی است؛ شارل دو گل، ایستگاه اوینون، فرودگاه جان اف. کندی. دلیل خوبی داره این موضوع. داستانش مفصل است، نمی خواهم حوصله اتان را سر ببرم.

من را می شناسید. با کمی تلاش، یادتان می آید. پیرمردی که با این پیانوهای عمومی می نوازد، در همه گذرگاهها. پنجشنبه ها می روم اولی، جمعه ها، رواسی. باقی هفته، ایستگاههای قطار، فرودگاههای دیگر، هر جا که شد، فقط باید پیانو باشد. اغلب در ایستگاه لیون می بینیدم، درست بغلش زندگی می کنم. بیشتر از یکبار صدای سازم را شنیده اید.

یک روز، دست آخر، به من نزدیک می شوید. اگر مرد باشید، چیزی نمی گوئید. تظاهر می کنید بند کفش تان را می بندید تا بی این که معلوم باشد کمی بهم گوش کنید. اگر زن باشید، من از جا می پرسم. این یعنی من منتظر یک زن هستم، دقیقاً. شما نیستید، دلخور نشوید. پنجاه سال است که منتظرش هستم.

شما هزار چهره دارید. تکتک شان یادم است، من هیچ چیز را فراموش نمی کنم. شما آن دختری هستید که در صبح های رنگ پریده مسافت بین شهر و حومه را گز می کند. شما همان مردی هستید که کت و شلوار تیره می پوشد و با خودم فکر کرده بودم که «لابد با تعصبی کامردانه معاشقه می کند»، حتی اگر این موضوع ربطی به من نداشته باشد - خودم اول از همه به این رسیدم که زن ها پرونده پیچیده ای هستند. شما سفید

تازه‌های نشر



شیاطین و قدیسان

ژان باتیست آندره آ
اصغر نوری



شیاطین و قدیسان

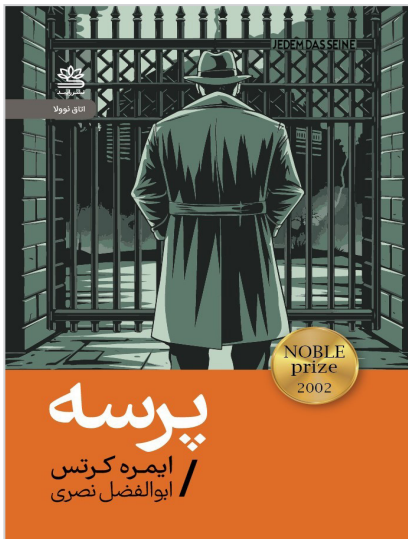
ژان باتیست آندره آ
اصغر نوری

درباره کتاب

داستان «شیاطین و قدیسان» از زمان حال آغاز می‌شود؛ با پیرمردی مرموز که هر روز پشت پیانوهای عمومی ایستگاه‌های قطار، فروشگاه‌ها و فرودگاه‌ها می‌نشیند و همیشه یک قطعه ثابت را با مهارتی خیره‌کننده می‌نوازد. این رفتار تکرارشونده پرسشی درباره هویت و گذشته او ایجاد می‌کند و روایت را به سفری وارونه می‌کشانند؛ بازگشت به سال‌های نوجوانی او در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی. در این بازگشت، با دنیایی آمیخته از موسیقی، ایمان مذهبی، خشونت، تنهایی و عشق روبه‌رو می‌شویم؛ دنیایی که در آن نوجوانی حساس و هنرمند می‌کوشد معنایی برای رنج، گناه و امید پیدا کند. موسیقی در این داستان فقط یک عنصر هنری نیست، بلکه راهی برای بقا، مقاومت و ارتباط با جهان است. عشق، در شکل‌های گوناگونش، نیروی نجات‌بخش روایت به شمار می‌آید؛ عشقی که می‌تواند انسان را از سزای درونی برهاند. پیرمرد با مرور گذشته، «خود» گمشده‌اش را بازمی‌یابد تا بتواند در زمان حال، به انتظاری عمیق و سزوشناس ادامه دهد. این رمان دعوتی است به شنیدن ریتم زندگی و مواجهه با تاریکی و روشنایی درون انسان.

«شیاطین و قدیسان»
نویسنده: ژان باتیست آندره آ
مترجم: اصغر نوری

ژان باتیست آندره آ، متولد ۱۹۷۱، سن ژرمن آنله، فرانسه در چهل‌وشش‌سالگی نخستین رمان خود «ملکه من» را نوشت که برایش جایزه معتبر فمینا و جایزه رمان اول را به ارمغان آورد. اما چهارمین رمان او، که منتقدان از آن به‌عنوان «شاهکار» یاد کردند، او را به نویسنده‌ای جهانی تبدیل کرد. رمان «مراقبش باش» در سال ۲۰۲۳ منتشر شد و جایزه گنکور، جایزه ادبی فناک و جایزه بزرگ خوانندگان مجله «ال» را به دست آورد و به پرفروش‌ترین کتاب فرانسه تبدیل شد؛ با بیش از یک‌میلیون نسخه. این رمان تاکنون به ۳۴ زبان ترجمه شده، از جمله به فارسی با ترجمه نرگس کریمی در نشر رایبد. در سال ۲۰۲۱ رمان «شیاطین و قدیسان» را نوشت و این رمان ده‌ها جایزه برای آندره آ به ارمغان آورد.



«پرسه»

نویسنده: امیر کترس
مترجم: ابوالفضل نصری

دل رنجی تاریخی برخاست و توانست تجربه شخصی تلخ خود را به زبان جهانی ادبیات بدل کند. کترس سال‌ها در انزوا و بی‌توجهی نوشت. حکومت کمونیستی مجارستان آثار او را چندان بر نمی‌تابید، زیرا صدایش مستقل و اندیشه‌هایش غیرقابل کنترل بود. انتشار نخستین رمانش سال‌ها طول کشید و پس از انتشار هم در ابتدا چندان مورد استقبال قرار نگرفت. اما همین رمان بود که بعدها به شاهکار و یکی از مهمترین رمان‌های ادبیات جنگ جهانی دوم تبدیل شد. او در طول زندگی‌اش کمتر از ده رمان نوشت، اما همان چند اثر کافی بود تا تصویری ماندگار از انسان، سرنوشت و آزادی در ادبیات معاصر بر جای بگذارد. در سال ۲۰۰۲ کترس به پاس همین دستاوردها جایزه نوبل ادبیات را دریافت کرد. کمیته نوبل در ستایش او نوشت که «آثارش تجربه شکننده فردی را در برابر خودکامگی و خشونت بی‌رحمانه تاریخ، به زبان جهانی حافظه و اخلاق بدل کرده است».

در میان این آثار، رمان پرسه که در دهه ۱۹۷۰ نوشته شد، جایگاه ویژه‌ای دارد. با ساختاری تمثیلی و زبانی موجز، به کاوش در رابطه میان فرد، قدرت و حافظه می‌پردازد. داستان درباره یک کمیسر است که سفری مرموز را آغاز می‌کند؛ سفری که به‌ظاهر مأموریتی اداری است، اما به‌تدریج به جست‌وجویی وجودی و فلسفی بدل می‌شود. فضای رمان سرد، بی‌نام و درعین حال آشناست؛ شهری که می‌تواند هر شهری در اروپای شرقی باشد و در آن قدرتی بی‌چهره همه‌جا حضور دارد. کترس در این کتاب با استفاده از روایت غیرمستقیم و حذف جزئیات آشکار، فضای «بی‌مکانی» و «بی‌زمانی» می‌آفریند تا نشان دهد چگونه تجربه خشونت و استبداد، در حافظه جمعی و فردی رسوب می‌کند.

امیر کترس (۱۹۲۹-۲۰۱۶) نویسنده اهل مجارستان برنده جایزه نوبل ادبیات ۲۰۰۲. از مهم‌ترین آثار او می‌توان به رمان «بی‌سرنوشت» اشاره کرد. رد پای تجربیات و مشاهدات کترس در اردوگاه بوخن‌والد را می‌توان به‌خوبی در این رمان دید که معروف‌ترین اثر او نیز محسوب می‌شود. او در مجموع ۱۳ سال از عمر خود را صرف نوشتن این رمان کرد. «بی‌سرنوشت» یکی از تأثیرگذارترین و دردناک‌ترین آثار ادبی درباره فاجعه هولوکاست است. امیر کترس در ۱۹۹۰ با رمان «دعای کدیش برای کودکی که متولد نشد» به شهرت رسید؛ کدیش، دعایی است که یهودیان برای مرده می‌خوانند، و در رمان، دعایی است که او برای فرزندی قرائت می‌کند که حاضر نیست به دنیایی بیاید که اجازه برپایی اردوگاه‌های مرگ را داده است. کترس هنگامی که نوجوان بود در سال ۱۹۴۴ به اردوگاه مرگ آشویتس، در لهستان که در اشغال آلمان بود فرستاده شد. او از آنجا به اردوگاه کار اجباری بوخن‌والد فرستاده شد که یک سال بعد به دست متفقین آزاد شد. اما وقتی آقای کترس به مجارستان بازگشت، فقط برای دوره کوتاهی آزادی داشت که به کار روزنامه‌نگاری و نویسندگی بپردازد. اما به‌رحال، توانست کتاب‌هایی منتشر کند که به زبان آلمانی ترجمه شد. او در بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ میلادی در برلین زندگی می‌کرد تا اینکه به علت بیماری بار دیگر به وطنش بازگشت.

درباره کتاب

امیر کترس، نویسنده و اندیشمند مجارستانی، یکی از صداهای یگانه ادبیات قرن بیستم است؛ صدایی که از



نیچه، روان‌شناسی و فلسفه‌اولی

رابرت پی‌پین
مهدی نصراله‌زاده

و معنا‌پیری می‌کند. رابرت پی‌پین، از برجسته‌ترین شارحان معاصر فلسفه آلمانی و استاد دانشگاه شیکاگو، در «نیچه، روان‌شناسی و فلسفه‌اولی» تفسیری دقیق، چالش‌برانگیز و درعین‌حال بدیع از اندیشه نیچه ارائه می‌دهد؛ تفسیری که او را در متن سنت فلسفی مدرن، از کانت و هگل تا روان‌شناسی اخلاق، باز می‌نشانند.

پی‌پین در این اثر نشان می‌دهد که «روان‌شناسی» نزد نیچه صرفاً توصیف حالات ذهنی یا انگیزه‌های فردی نیست، بلکه شکلی از فلسفه‌اولی است؛ کاوشی بنیادین درباره‌ی شرایط امکان معنا، ارزش‌گذاری و نسبت ما با خود و جهان. از این منظر، مفاهیمی چون اراده، خودفریبی، رنج، و حتی حقیقت، نه موضوعاتی فرعی بلکه گره‌گاه‌های اصلی تفکر نیچه‌اند. پی‌پین با دقتی تحلیلی نشان می‌دهد که نقد نیچه به اخلاق، متافیزیک و سوژه‌باوری مدرن، بر نوعی روان‌شناسی فلسفی استوار است که پرسش از «چرا چنین می‌اندیشیم و چنین می‌خواهیم» را جایگزین بادهت‌های سنتی می‌کند.

این کتاب در برابر قرائت‌هایی که نیچه را یا متفکری ضد عقل‌گرا و شاعر مسلک می‌دانند یا پیشگام نوعی نسیب‌گرایی خام، استدلال می‌کند که نیچه دغدغه‌ای عمیقاً فلسفی نسبت به عقلانیت عملی، مستولیت، و امکان خودفهمی انسانی دارد. زبان روشن، استدلال‌های منسجم و پیوند دادن نیچه با مسائل زنده و معاصر فلسفه، این اثر را به منبعی ضروری برای دانشجویان، پژوهشگران و علاقه‌مندان جدی نیچه بدل کرده است. «نیچه، روان‌شناسی و فلسفه‌اولی» خواننده را به مواجهه‌های تازه با نیچه فرامی‌خواند؛ مواجهه‌ای که نه آسوده‌کننده است و نه ساده، اما افق‌های تازه‌ای برای فهم انسان مدرن و بحران‌های او می‌گشاید.



«نیچه، روان‌شناسی و فلسفه‌اولی»
نویسنده: رابرت پی‌پین
مترجم: مهدی نصراله‌زاده

رابرت بوفورد پی‌پین (متولد ۱۴ سپتامبر ۱۹۴۸) فیلسوف آمریکایی است. او استاد خدمات برجسته Evelyn Stefansson Nef در کمیته اندیشه اجتماعی جان یوف، گروه فلسفه و کالج دانشگاه شیکاگو است.

پی‌پین مدرک لیسانس خود را از کالج ترینیتی در هارتفورد، کنتیکت دریافت کرد. و دکترایش را در رشته فلسفه از ایالت پن به سرپرستی استنلی روزن اخذ کرد. قبل از انتقال به شیکاگو، چندین سال در بخش فلسفه در UCSD تدریس می‌کرد، جایی که هنری آلپسون و هربرت مارکوزه در میان همکارانش بودند. او در سال ۲۰۰۹ کرسی فلسفه Spinoza را در دانشگاه آموستردام برگزار کرد. او از سال ۲۰۱۴ به‌عنوان دکترای افتخاری در دانشگاه اوبسالا، سوئد مشغول به کار است.

پی‌پین بیشتر به‌خاطر کارش در مورد هگل شناخته می‌شود، اما او همچنین مقالات و کتاب‌هایی درباره‌ی کانت، نیچه، پروسا، هانا آرنست، لئو اشتراوس، هنری جیمز، و در مورد فیلم (از جمله وسترن هالیوود، فیلم نوآر، آلفرد هیچکاک و داگلاس سیرک) منتشر کرده است. در حال حاضر به همراه همسرش جوان در شیکاگو اقامت دارد.

درباره کتاب

این کتاب دعوتی است به بازخوانی نیچه، نه در مقام متفکری شاعر مسلک یا صرفاً نقاد اخلاق، بلکه به‌مثابه فیلسوفی که پروژه‌ای منسجم در باب خودآگاهی، کنش،



«زائر نهر تینکر»
نویسنده: آنی دیلارد
مترجم: سارا قدیمی

فارسی ترجمه شده که کتاب نوشتن زندگی توسط نشر رایبید و با ترجمه زهرا زارعی منتشر شده است.

درباره کتاب

«زائر نهر تینکر» کتابی که بیش از آن که پاسخ بدهد، پرسش می‌سازد و خواننده را به دیدن جهان از زاویه‌ای ناآرام و ناپایدار دعوت می‌کند. نویسنده با پرهیز آگاهانه از نظام‌مندی و قطعیت، طبیعت را نه به‌مثابه موضوعی برای توصیف، بلکه به‌عنوان میدانی برای دیدن، مکث و مواجهه عرضه می‌کند. دیدن در این کتاب نه برای آرامش و نه برای رسیدن به معناهای مطمئن، بلکه کاری جدی، گاه هراس‌انگیز و درعین‌حال سرشار از حیات است.

ایمان در این متن حضوری تثبیت‌شده ندارد؛ خدا نه غایب است و نه حاضر بديهی، بلکه در تعلیقی دائمی میان دیده‌شدن و نادیده‌ماندن قرار دارد. کتاب وعده تسلی یا پاسخ‌های آماده نمی‌دهد و خواننده را در برابر جهانی می‌نشانند که هم‌زمان خشونت و نظم، زیبایی و بی‌اخلاقی را در خود دارد.

دشواری اصلی ترجمه، حفظ نوسان ظریف میان مشاهده دقیق علمی و تأمل شاعرانه است؛ نوسانی که اگر یک‌سویه شود، متن یا خشک و گزارشی می‌شود یا تصنعی و شاعرانه. ساختار کتاب نیز تابع همین منطق است؛ فصول به نتیجه‌ای خطی نمی‌رسند، بلکه زاویه نگاه را پیوسته جابه‌جا می‌کنند و خواننده را به دیدن دوباره و دوباره فرامی‌خوانند.

این کتاب جستارگونه گفتگویی است با طبیعت.

آنی دیلارد متولد سال ۱۹۴۵ در آمریکا است. خیلی زود و برای دومین کتابش، زائر نهر تینکر، جایزه پولیتزر برد و به شهرت رسید. سبک او را ملهم و وامدار دیوید هنری ثورو، نویسنده رمانتیک آمریکایی، و علی‌الخصوص شاهکار او، والدن، دانسته‌اند. با این حال، دیلارد هیچ‌وقت تأثیرپذیری خودش از ثورو را تأیید نکرده است. دیلارد علاوه بر جستارنویسی، شعر و رمان نیز دارد و در کنار نویسندگی، ۲۱ سال در دیپارتمان زبان انگلیسی دانشگاه وسلیمان در کنتیکت تدریس کرده است. طبیعت بی‌تردید مهم‌ترین محور نوشته‌های دیلارد است. با این حال، توصیف او از طبیعت بسیار شخصی است؛ و برخلاف نویسندگانی مثل ثورو که در نوشته‌های آن‌ها طبیعت در «بهترین حالت ممکن» و کامل‌ترین سطح از نظم و تقارن جلوه می‌کند، طبیعت دیلارد معمولاً طبیعتی نیمه‌تمام، ناقص، مبهم و گاهی بی‌رحم و ترسناک است. دیگر خصوصیت بارز نوشته‌های آنی دیلارد، غیاب انسان‌ها و دنیای روابط اجتماعی است. گویی نوشته‌های او در جهانی نوشته می‌شوند که در آن جز خود او، هیچ انسان واقعی دیگری در آن وجود ندارد و هرچه هست، درختان و حیوانات و طبیعت بی‌جان است.

اصلی‌ترین مجموعه جستارهای آنی دیلارد عبارتند از: زائر نهر تینکر (۱۹۷۴)، آموزش مکالمه به سنگ (۱۹۸۲)، زندگی با نوشتن و در حال حاضر (۱۹۹۹). رمان‌هایش راه زنده‌ماندن (۱۹۹۲) و خانواده میتری (۲۰۰۷) نام دارند. علاوه بر این‌ها چند مجموعه شعر و یکی دو کتاب پراکنده دیگر نیز منتشر کرده است. تا کنون ۲ کتاب هیچ‌چیز آن‌جا نیست (پنج جستار درباره صدهایی که از طبیعت نمی‌شنویم) و نوشتن زندگی از آنی دیلارد به



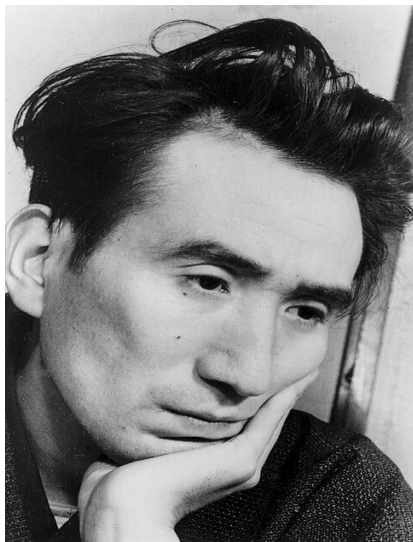
اوتوگي-زوشي: افسانه‌های اوسامو دازای

اوسامو دازای
حسین ساکیه

درباره کتاب

«اوتوگي-زوشي» مجموعه‌ای از بازنویسی چهار افسانه مشهور ژاپنی است که اوسامو دازای در شرایط ناآرام و پرتنش خلق کرده است. با این حال، آنچه این اثر را برجسته می‌کند، نه صرفاً زمان نگارش آن، بلکه شیوه‌ای است که دازای از دل روایت‌های سنتی، داستان‌هایی تازه و امروزی می‌سازد. او به افسانه‌هایی که نسل‌ها به‌شکلی ثابت و ساده نقل شده‌اند، جان تازه‌ای می‌دهد و با تغییر زاویه دید، آن‌ها را به روایت‌هایی انسانی، تأمل‌برانگیز و چندلایه تبدیل می‌کند.

در این داستان‌ها، قهرمانان بی‌نقص و الگوهای اخلاقی مطلق جای خود را به شخصیت‌هایی مردد، آسیب‌پذیر و گاه شکست‌خورده می‌دهند. دازای به‌جای تأکید بر پیروزی و فضیلت، بر ناتوانی انسان در کنترل سرنوشت، پیچیدگی روابط زن و مرد و تنهایی پنهان در زندگی روزمره تمرکز می‌کند. با این‌همه، فضای اثر کاملاً تیره و ناامیدکننده نیست؛ طنزی ظریف و گاه طعنه‌آمیز در لحن روایت حضور دارد که از شدت تلخی می‌کاهد و نوعی صمیمیت میان روى و خواننده ایجاد می‌کند. یکی از ویژگی‌های مهم این مجموعه، حضور پررنگ راوی است؛ راوی‌ای که تنها قصه‌گو نیست، بلکه با تفسیرها و حاشیه‌روی‌های شخصی خود، خواننده را به درون ذهنش راه می‌دهد. افسانه‌ها در این کتاب نه فقط یادگاری از گذشته، بلکه ابزاری برای اندیشیدن به وضعیت انسان‌اند؛ انسانی که در جهانی ناپایدار، به‌جای قهرمانی، به پذیرش، شفقت و لحظه‌ای آرامش دل می‌بندد.



«اوتوگي-زوشي»
افسانه‌های اوسامو دازای
نویسنده: اوسامو دازای
مترجم: حسین ساکیه

اوسامو دازای، یکی از برجسته‌ترین نویسندگان ژاپن در قرن بیستم است که در سال ۱۹۰۹ در شمال ژاپن به دنیا آمد. نام اصلی او «شوجی تسوشیما» بود و «اوسامو دازای» را به‌عنوان نام ادبی خود برگزید. آثار او اغلب بازتاب‌دهنده بحران هویت، تنهایی، احساس پوچی و کشمکش‌های درونی انسان مدرن هستند و به‌شدت از تجربه‌های شخصی زندگی‌اش الهام گرفته‌اند. دازای زندگی پرآشوبی داشت و بارها با افسردگی و اعتیاد دست‌وپنجه نرم کرد. مشهورترین اثر او رمان «نه انسان» است که تصویری تلخ و صادقانه از خودبیینگی انسان ارائه می‌دهد. از دیگر آثار مهم او می‌توان به «زوال» و «خورشید غروب می‌کند» اشاره کرد. اوسامو دازای در سال ۱۹۴۸، در سن ۳۹ سالگی، دست به خودکشی زد و به یکی از چهره‌های تراژیک ادبیات ژاپن تبدیل شد.

درباره کتاب «شمال دوردست» زیبایی نهفته در ناپایداری و مینیمالیسم سرد مارسل تورو

نگاه مستندسازانه او باعث شده تا روایت‌هایش سرشار از جزئیات دقیق، صحنه‌پردازی‌های تصویری و فضاسازی‌های خیال‌انگیز باشند. همچنین تجربه فیلمنامه‌نویسی به او امکان داده است تا ساختار داستانی را با ریتمی سینمایی پیش ببرد؛ دیالوگ‌ها موجز و پرکشش‌اند و صحنه‌ها با برش‌های سریع و تأکید بر تصویر شکل می‌گیرند.

در رمان شمال دوردست، این ویژگی‌ها به‌خوبی دیده می‌شود؛ روایت همچون دوربین مستندی است که بر ویرانه‌های جهان پسافاجعه حرکت می‌کند و هر لحظه تصویری تازه از فروپاشی و بقا پیش چشم مخاطب می‌گذارد.

- تورو در آثارش از موضوعاتی مانند چرنوبیل، پسافاجعه، هویت و حافظه بهره می‌برد. کدامیک از این موتیف‌ها هنگام ترجمه برای شما برجسته‌تر بود؟ آنچه برای من برجسته‌تر بود، موتیف حافظه و کتاب به‌عنوان حاملان فرهنگ و معنا بود. در متن، کتاب‌ها صرفاً آشیایی نیستند که با سوزاندن‌شان جان کسی را از سرما نجات دهند، بلکه نماد تداوم حافظه، خاطره و هویت انسانی در دل ویرانی‌اند.

- آیا آشنایی او با مفهوم ژاپنی «وابی‌سای» و همکاری‌اش با رسانه‌های مختلف تأثیری بر سبک نوشتاری او داشته است و آیا به نظرتان در نقش مترجم توانسته‌اید این ویژگی را در ترجمه بازتابانید؟ در مورد اول باید بگویم بله، آشنایی مارسل تورو با مفهوم ژاپنی «وابی‌سای» - یعنی زیبایی در ناپایداری، سادگی و نقص - بی‌تردید در سبک نوشتاری او بازتاب یافته است. در آثارش، به‌ویژه در رمان شمال دوردست، می‌توان ردیابی این نگاه را در توصیف جهان فروپاشیده و درعین‌حال سرشار از لطحات ظریف و انسانی مشاهده کرد. او به‌جای تأکید بر کمال و نظم، بر ناپایداری، زوال و زیبایی پنهان در ویرانی تمرکز دارد.

در پرسش دیگری به همکاری او با رسانه‌های مختلفی چون مستند و فیلمنامه و روزنامه‌نگاری اشاره شد و گفتیم که این تجارب به سبک نوشتاری‌اش کیفیتی چندرسانه‌ای بخشیده است. روایت‌های او اغلب تصویری، موجز و پرجزئیات‌اند؛ گویی متن برای دوربین یا صحنه نوشته شده است. این ویژگی در ترجمه



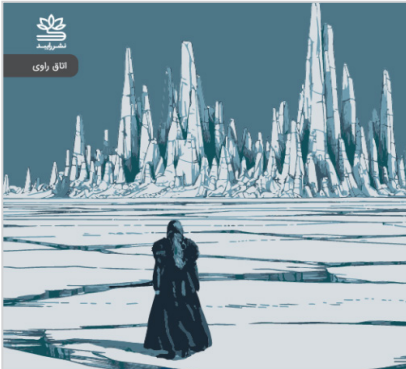
گفتگو با فاطمه نوروزی، مترجم

- مارسل تورو را چگونه به‌عنوان نویسنده‌ای با سبک و هویت ادبی مشخص در رمان شمال دوردست توصیف می‌کنید؟

تورو در شمال دوردست تلفیقی از ژانرهای گوناگون را به کار می‌گیرد؛ از یادآرمان شهری و علمی‌تخیلی گرفته تا وسترن و روایت‌های فلسفی. به‌نظم ویژگی‌های برجسته سبک او چند مورد را در بر می‌گیرد؛ از جمله، زبان موجز و تصویری، ترکیب ژانرها و نگاه فلسفی و اخلاقی. نثر تورو ساده و درعین‌حال سرشار از تصویرسازی است؛ به‌گونه‌ای که فضای سرد و خشن سبیری را با جزئیات ملموس به ذهن خواننده منتقل می‌کند و با مهارت خاص خودش عناصر وسترن (قهرمان تنها، سفر، تقابل با طبیعت) را در بستری یادآرمان‌شهری و علمی‌تخیلی قرار می‌دهد و بدین ترتیب هویتی تازه برای روایت خلق می‌کند و درنهایت در پس داستان‌های او پرسش‌های بنیادین دربارهٔ بقا، معنا و نقش فرهنگ در زیست انسان نهفته است. همین ویژگی‌ها هویت ادبی مشخص و قابل‌شناسایی برای او ایجاد کرده‌اند.

- به نظر شما تجربهٔ او در مستندسازی و فیلمنامه‌نویسی چگونه در آثار ادبی‌اش بازتاب یافته‌اند؟

تجربه‌های مارسل تورو در ساخت مستند و نوشتن فیلمنامه به‌وضوح در آثار ادبی او انعکاس یافته است.



شمال دوردست

مارسل تورو
فاطمه نوروزی

هورا کامی مورا کامی؟

رمان شمال دوردست به دلیل مجموعه‌ای از ویژگی‌های ادبی و محتوایی توانست در سطح بین‌المللی مطرح شود و توجه منتقدان و نویسندگان برجسته‌ای چون هاروکی موراکامی را جلب کند که تلاش می‌کنم به مواردی اشاره کنم.

نخست، ترکیب ژانری منحصر به فرد رمان اهمیت دارد. همان‌طور که اشاره شد تورو توانسته است عناصر وسترن، یادآرمانشهری و علمی-تخیلی را در بستری سرد و برفی چون سیبری درهم بپیمزد و جهانی تازه خلق کند. این نوآوری ژانری برای مخاطبان جهانی جذاب است، زیرا تجربه‌ای متفاوت از روایت‌های رایج ارائه می‌کند. دوم، زبان موجز و تصویری اوست. نثر تورو هم‌زمان شاعرانه و سینمایی است و خواننده را با صحنه‌هایی دقیق و پرجزئیات روبه‌رو می‌کند که یادآور نگاه مستندسازانه اوست. این سبک باعث شد کتاب برای مخاطبان بین‌المللی دسترس‌پذیر و تأثیرگذار باشد. سوم، اهمیت مضامین جهانی رمان است.

موضوعاتی چون فروپاشی، بقا، حافظه جمعی و نقش فرهنگ مکتوب در حفظ هویت انسانی، دغدغه‌هایی هستند که فراتر از مرزها برای تمام انسان‌ها معنا دارند. همین جهان‌شمولی مضامین، اثر را برای داوران جوایز ادبی و خوانندگان مختلف جذاب کرده است. در نهایت هم بازخورد مثبت منتقدان و نویسندگان برجسته نقش بسزایی در انتخاب این رمان به‌عنوان فینالیست جایزه ملی کتاب در آمریکا داشت و همین هم جایگاه آن را تثبیت کرد. و البته تحسین هاروکی موراکامی که آن را

به‌صورت چالش‌هایی نمایان می‌شد؛ باید هم ایجاز و ریتم سینمایی حفظ می‌شد و هم لایه‌های معنایی و شاعرانه متن انتقال می‌یافت.

برای من، هنگام ترجمه، بیش از همه تأثیر و ابی‌سای در نگاه به زوال و زیبایی پنهان در نقص برجسته بود. این رویکرد سبب شد در انتخاب واژگان فارسی، به ظرافت‌های معنایی و موسیقی زبان توجه بیشتری کنم تا خواننده بتواند همان حس زیبایی در ناپایداری را تجربه کند.

- تورو در عین وفاداری به سنت کلاسیک رمان‌نویسی، ژانر یادآرمانشهری را نیز به‌خوبی به کار می‌گیرد. این ترکیب ژانری چه چالش‌هایی برای ترجمه ایجاد کرد؟ درست است، تورو در شمال دوردست، از یک سو به سنت‌های کلاسیک وفادار است؛ روایت خطی، شخصیت‌پردازی دقیق و نثر ادبی که گاه حال‌وهوای رمان‌های قرن نوزدهم را تداعی می‌کند؛ از سوی دیگر، فضای یادآرمانشهری و پساواقع‌گرای او نیازمند زبانی موجز، تصویری و گاه خشن است. هم‌نشینی دو سبک، مرا در نقش مترجم با دشواری‌هایی مواجه می‌کرد؛ نخست باید هم شکوه و وقار نثر کلاسیک را منتقل می‌کردم و هم خشونت و ایجاز زبان یادآرمانشهری را. ایجاد تعادل میان این دو لحن در فارسی نیازمند انتخاب دقیق واژگان و ساختارهای نحوی بود. دوم، انتقال ریتم روایت اهمیت بسیار داشت، زیرا در بخش‌هایی با توصیف‌های طولانی و تأملی مواجه هستیم، درحالی‌که بخش‌های دیگری ریتمی سریع و تصویری دارند. هماهنگ‌سازی این ریتم‌ها در ترجمه مهم بود تا خواننده دچار گسست نشود. سوم، انتخاب واژگان و اصطلاحات خاص اهمیت بسیار داشت. ژانر یادآرمانشهری اغلب با اصطلاحات علمی-تخیلی و تصاویر ویرانی همراه است، درحالی‌که سنت کلاسیک از زبان ادبی و استعاری بهره می‌برد. ترکیب این دو حوزه واژگانی در فارسی نیازمند دقت بود تا متن هم طبیعی و هم وفادار به اصل باقی بماند. و در نهایت، حفظ فضای فلسفی اثر مهم بود. در پس این ترکیب، پرسش‌های فلسفی دربارهٔ بقا، معنا و فرهنگ نهفته است. من در ترجمه کوشیدم این لایه اندیشمندانه را بدون ازدست‌دادن جذابیت داستانی منتقل کنم تا خواننده فارسی‌زبان نیز همان تجربهٔ چندلایه و منحصر به فردی را داشته باشد که خوانندهٔ انگلیسی‌زبان آن را حس می‌کند.

- به نظرتان چه ویژگی‌هایی باعث شد شمال دوردست در سطح بین‌المللی مطرح شود؟ از فینالیست شدن در جوایز معتبر تا جلب توجه

«رمانی استادانه» توصیف کرده توجه بیشتری به اثر جلب کرد و موجب شد در فضای ادبی بین‌المللی هم بیشتر دیده شود.

- رمان شمال دوردست فضایی سرد و خشن و مینیمال دارد. انتقال این فضا به فارسی دشوار بود؟

می‌توانم بگویم یکی از دشوارترین بخش‌های کار ترجمه بود. این فضا نه تنها در سطح واژگان، بلکه در ریتم جمله‌ها، سکوت‌های میان روایت و حذف جزئیات غیرضروری شکل می‌گیرد. تورو با کمترین کلمات بیشترین تأثیر را می‌گذارد. حفظ این اجاز بدون قربانی کردن وضوح معنایی نیازمند دقت فراوان بود. او با واژگان ساده اما تصویری، سرمای سیبری و خشونت محیط را منتقل می‌کند. باید واژگانی را در فارسی انتخاب می‌کردم که همان حس بی‌رحمی طبیعت و بی‌پناهی انسان را القا کند، بدون آنکه متن به اغراق یا تصنع بیفتد. در نثر تورو، سکوت‌ها و مکت‌ها به اندازه کلمات اهمیت دارند. بازآفرینی این ریتم در فارسی دشوار بود، زیرا باید ساختار جمله‌ها و پاراگراف‌ها را به گونه‌ای تنظیم می‌کردم تا همان حس خلأ و سکون منتقل شود. هرگونه افزودن توضیح یا تزیین زبانی می‌توانست فضای مینیمال را مخدوش کند. بنابراین، انتخاب واژگان باید دقیق و حساب‌شده می‌بود تا متن همچنان ساده، موجز و تأثیرگذار باقی بماند.

نمونه صحنه سفر در دل طبیعت سرد و بی‌رحم قطبی در حال‌وهوای آخرالزمانی یکی از بخش‌هایی است که فضای خاص تورو را به خوبی نشان می‌دهد. شخصیت اصلی در مسیرهای طولانی و برفی، گاه سواره و گاه پیاده پیش می‌رود؛ جاده‌ها خالی‌اند، تنها صدای باد و گام‌های او شنیده می‌شود. در متن انگلیسی، این صحنه‌ها با جمله‌های کوتاه و تکرار واژگان ساده ساخته شده‌اند تا حس تداوم، خستگی و بی‌پایانی راه منتقل شود. در ترجمه فارسی، دشواری اصلی این بود که ریتم حرکت و سکوت طبیعت حفظ شود. اگر جمله‌ها بیش‌ازحد طولانی یا پرجزئیات می‌شدند، حس مینیمالیسم و بی‌پایانی راه از دست می‌رفت. بنابراین، تلاش کردم با جمله‌های کوتاه و واژگانی تک‌سیلابی مانند «راه»، «باد»، «برف»، همان ضرباهنگ سرد و یکنواخت را بازآفرینی کنم. درعین‌حال، باید به لایه فلسفی سفر نیز توجه می‌کردم؛ این سفر نه تنها حرکت فیزیکی، که نمادی از جست‌وجوی معنا در دل ویرانی است. برای انتقال این لایه، واژگان فارسی باید هم ساده و هم حامل بار استعاری باشند، تا خواننده بتواند هم خستگی راه را لمس کند و هم تأمل درونی شخصیت را دریابد.

- با توجه به اینکه شمال دوردست به زبان‌های مختلف از جمله ژاپنی (با مشارکت موراکامی) ترجمه شده، ترجمه فارسی را چگونه در این گفت‌وگوی بین‌المللی جای می‌دهید؟

امیدوارم بتوانم ترجمه فارسی این رمان را نیز بخشی از گفت‌وگوی ادبی بین‌المللی دانست که پیرامون این رمان شکل گرفته است و همان‌طور که نسخه ژاپنی توانست نگاه و زبان خاصی را به متن بیفزاید، ترجمه فارسی نیز نقش خود را در گسترش دامنه مخاطبان ایفا کند. در واقع، بدیهی است که ورود رمان به زبان فارسی، آن را در دسترس جامعه بزرگی از خوانندگان قرار می‌دهد که تجربه زیسته متفاوتی دارند و می‌توانند از زاویه‌ای تازه با مضامین جهانی اثر یعنی زیست بسافاجعه، بقا، حافظه و فرهنگ ارتباط برقرار کنند و درعین‌حال، امیدوارم زبان فارسی با پیشینه ادبی غنی خود، به متن رنگ و بویی تازه داده باشد که نه صرفاً بازآفرینی متن، بلکه مشارکتی فعال در گفت‌وگوی جهانی باشد.

افزون بر این‌ها، این ترجمه امکان می‌دهد تا خواننده ایرانی با یکی از نمونه‌های برجسته ادبیات پادآرمانشهری معاصر آشنا شود؛ متنی که در سطح جهانی مطرح شده و اکنون به زبان او در دسترس است. این دسترسی، تجربه ادبی خواننده را غنی‌تر می‌کند و او را در جریان گفت‌وگوی بین‌المللی پیرامون مضامین جهانی قرار می‌دهد. مضامینی چون بقا، حافظه، فرهنگ مکتوب و هویت انسانی در بستر ویرانی برای مخاطب فارسی‌زبان معنایی ویژه پیدا می‌کنند. جامعه‌ای که خود تجربه‌های تاریخی بی‌شمار از بحران‌ها و تحولات طبیعی و غیرطبیعی دارد، می‌تواند با این مضامین ارتباطی عمیق برقرار کند. در نتیجه، ترجمه نه تنها بازآفرینی متن، بلکه ایجاد پلی است میان تجربه‌های جهانی و محلی.

زبان فارسی با ظرفیت‌های شاعرانه و استعاری خود، به متن لایه‌ای تازه می‌افزاید. چه بسا خواننده فارسی‌زبان با حساسیت‌های ادبی خاص زبان خود زیبایی نهفته در ناپایداری و مینیمالیسم سرد تورو را به گونه‌ای دیگر درک کند. این امر باعث می‌شود ترجمه فارسی نه صرفاً



بازتاب متن اصلی، بلکه مشارکتی فعال در شکل‌گیری دریافت‌های جدید از اثر باشد و به این ترتیب، ترجمه فارسی شمال دوردست برای مخاطب ایرانی هم تجربه‌ای ادبی تازه فراهم می‌کند و هم او را در گفت‌وگوی جهانی پیرامون ادبیات پادآرمانشهری سهیم می‌سازد.

- به نظر شما این ترجمه چه تأثیری بر جریان ادبیات معاصر فارسی خواهد داشت و چگونه می‌تواند الهام‌بخش نویسندگان ایرانی باشد؟

امیدوارم ترجمه فارسی این اثر بتواند بر جریان ادبیات معاصر فارسی تأثیرگذار باشد، زیرا ورود چنین اثری به زبان فارسی نه‌تنها تجربه خواننده را غنی‌تر می‌کند، بلکه برای نویسندگان ایرانی نیز الهام‌بخش است. شاید بتوانم بگویم این تأثیر از چند جهت قابل توجه است: گسترش افق‌های زانری؛ ادبیات پادآرمانشهری در فارسی هنوز جوان است. ترجمه این رمان می‌تواند نویسندگان ایرانی را به تجربه ژانرهای تازه و ترکیب آن‌ها با سنت‌های بومی تشویق کند؛ مینیمالیسم و ایجاز؛ سبک سرد و موجز تورو نمونه‌ای است از اینکه چگونه می‌توان با کمترین واژگان بیشترین تأثیر را گذاشت. این ویژگی می‌تواند بر شیوه نگارش نویسندگان فارسی‌زبان اثر بگذارد و آنان را به سمت زبان ساده‌تر و مؤثرتر سوق دهد؛ مضامین جهانی در بستر محلی؛ موضوعاتی چون بقا، حافظه و فرهنگ مکتوب، وقتی به فارسی ترجمه می‌شوند، امکان گفت‌وگویی تازه میان ادبیات جهانی و تجربه‌های تاریخی و اجتماعی ایران فراهم می‌آورند. این امر می‌تواند نویسندگان ایرانی را به بازاندیشی در مضامین مشابه در بستر زیستی خود ترغیب کند.

- آیا درک جهان‌بینی و شخصیت نویسنده به شما کمک کرد تا سبک او را بهتر در ترجمه بازآفرینی کنید؟ اگر مترجم تنها به سطح واژگان بسنده کند، چه‌بسا متن بخشی از روح و هویت نویسنده را از دست بدهد. اما شناخت نگاه نویسنده به جهان به مترجم کمک می‌کند تا انتخاب‌های زبانی دقیق‌تر و وفادارانه‌تری در فارسی داشته باشد.

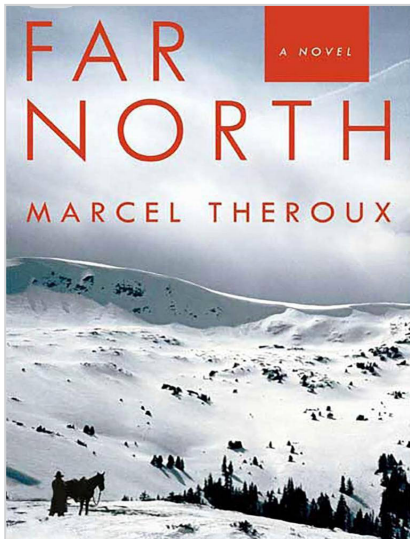
من هم در این ترجمه کوشیده‌ام این مهم را در نظر داشته باشم. تورو نویسنده‌ای است که به مینیمالیسم و فلسفه توجه دارد؛ مستندساز، فیلسوف و رمان‌نویس است. فهم این ترکیب باعث شد در ترجمه، هم ایجاز و سردی زبان حفظ شود و هم لایه‌های اندیشمندانه و نمادین متن منتقل گردد. به بیان دیگر، جهان‌بینی او چراغ راهی بود برای اینکه بدانم کجا باید سکوت متن را دست‌نخورده باقی بگذارم و کجا باید بار معنایی را با واژه‌های دقیق در فارسی تقویت کنم.

- اگر بخواهید یک ویژگی مشخص از جهان‌روایی مارسل تورو را برای خواننده فارسی‌زبان برجسته کنید، آن ویژگی چه خواهد بود؟

توانایی او در یافتن زیبایی و معنا در دل ویرانی و سکوت. تورو جهان‌هایی سرد، خشن و پسا فاجعه‌ای می‌سازد، اما در همان فضای مینیمال و بی‌پناه، لحظه‌هایی از امید، فرهنگ و حافظه انسانی را برجسته می‌کند. این نگاه، که هم فلسفی و هم شاعرانه است، باعث می‌شود آثارش فراتر از یک روایت پادآرمانشهری صرف باشند و به تأملی درباره ارزش کتاب، حافظه و بقا تبدیل شوند.

سکوت در آثار تورو تنها یک تکنیک روایی نیست؛ بخشی از جهان‌بینی اوست. این سکوت‌ها به خواننده اجازه می‌دهند تا خلأ و بی‌پناهی شخصیت‌ها را لمس کند، اما در عین حال فضایی برای تأمل و معنا می‌گشایند. در ترجمه فارسی، حفظ این سکوت‌ها اهمیت زیادی داشت؛ زیرا اگر با توضیح یا واژه‌های اضافی پر می‌شدند، حس مینیمالیسم و فلسفه نهفته در متن از بین می‌رفت. بنابراین، سکوت‌ها هم ریتم روایت را شکل می‌دهند و هم حامل معناهای پنهان‌اند؛ معناهایی درباره زوال، بقا و ارزش حافظه و خاطره.

از سوی دیگر، می‌توان گفت احتمالاً بخشی از این سکوت‌ها از ناخودآگاه نویسنده سرچشمه می‌گیرند. تورو به‌عنوان مستندساز و نویسنده‌ای که به تجربه‌های انسانی توجه دارد، به‌طور طبیعی به حذف توضیحات اضافی و ثبت لحظه‌های خام‌گرایش دارد. این‌گرایش در ناخودآگاه او ریشه دارد و در نوشتن به‌صورت خودکار ظاهر می‌شود.



بذار نوولاها بدرخشن!

یک فرصت ویژه برای کتابفروشی شما



نشر رایبید با هدف حمایت از کتابفروشی‌های همراه، استند اختصاصی نوولاهای خود را به صورت هدیه در اختیار شما قرار می‌دهد تا ویترینی متفاوت و منظم داشته باشید. این استند فرصتی برای دیده شدن بیشتر و فروش هدفمندتر است. با سفارش نوولاهای رایبید، فضای جذاب برای مخاطبان بسازید و سهم بیشتری از انتخاب‌های تازه بازار را به خود اختصاص دهید.

ویژه نوروژ

نوروژ در خانه هشت اتاقی نشر رایبید: سفری دلپذیر در دنیای کتابها



نوروژ، فصل نو شدن و آغاز سفرهاست، سفرهایی درونی و بیرونی و چه زیباست اگر این آغاز با کتاب همراه باشد. نشر رایبید مثل خانه‌ای است با هشت اتاق، هر اتاق دروازه‌ای است به ژانری متفاوت و دنیایی تازه از ادبیات. در این ایام، می‌توانید در سفرهای نوروژی یا دقایق آرام فراغت، در جای‌جای این خانه قدم بزنید و با هر اتاق، تجربه‌ای منحصر به فرد داشته باشید.

پیشنهاد ما برای شما:

◆ دوستاناران سینما در اتاق سینما با کتاب‌هایی مانند «در جست‌وجوی خوشبختی، کم‌دی هالیوودی ازدواج مجدد» و «۱۹۶۸ و سینمای جهانی»، سفری دیدنی در دنیای فیلم و داستان خواهند داشت.

◆ علاقه‌مندان به طبیعت و تأمل، در اتاق شیوه با کتاب «مهتاب درونت را دنبال کن» و «من طبیعت هستم» لحظاتی سرشار از آرامش و خودشناسی را تجربه می‌کنند.

◆ اتاق روایت، با داستان‌های ایرانی چون کتاب «کوچ شامز» و «کافه مستشار»، صمیمیت و ملموس بودن زندگی را به شما هدیه می‌دهد.

◆ اتاق ایده با کتاب‌های عمیق‌تر مانند «نیچه، روانشناسی و فلسفه اولی»، فرصتی برای تأمل و تفکر و سفر به درون و توجه به خود را در دل نوروژ فراهم می‌کند.

◆ آثار کوتاه و خواندنی هم در اتاق نوولا منتظر شماست. از جمله اثر تازه مارگارت آتوود، «زخم و تشنگی»، لحظاتی هیجان‌انگیز و سرگرم‌کننده را رقم می‌زند. علاقه‌مندان به کتاب و اقتباس‌های سینمایی در اتاق نوولا می‌توانند با کتاب «الماسی به بزرگی ریتز»، «زنی در میان تاریکی»، «اتومبیل خاکستری» و «خون آشام» دنیای هیجان، راز و رمان را تجربه کنند.

◆ عاشقان نمایشنامه، در اتاق شخصیت با «آدمکش»، «بیج خطرناک» و «الیس کوچولو» غرق دنیای درام می‌شوند.

◆ اتاق کشمکش با «بهای زندگی»، «بالون سوارها» و «ساختن بهشت در جهنم» فرصتی برای آرامش و کشف خود را فراهم می‌کند.

◆ دوستاناران رمان خارجی نیز می‌توانند با «حکم»، «سه دلار»، «نفث!»، «شمال دوردست» و «آسمان سرپناه» همراه شوند.

نوروژ امسال را با نشر رایبید، در این خانه هشت اتاقی، به سفری جادویی در دل داستان، تأمل و دنیای تازه تبدیل کنید.

کارنامهٔ رایبد

اتاق راوی (داستان و رمان خارجی)

نام کتاب	نام نویسنده	نام مترجم	اتاق
ذن و هنر نگهداری موتورسیکلت	رابرت ام. پیرسیگ	مریم گنجی	راوی
خیاطخانهٔ خیرخانه	گیل تمساح لمون	حدیث یعقوبی	راوی
شغل کثیف	کریستوفر مور	فرزانه رحیمی	راوی
رقص دختر یوروبا	سیمی بدفورد	پریا حسن پور	راوی
والدن دوم	بی.اف اسکینر	علیرضا شفیعی نسب	راوی
سلاخ خانهٔ شیکاگو (جنگل)	آپتون سینکлер	یوسف کارگر	راوی
مراقبش باش	ژان باتیست آندره‌آ	نرگس کریمی	راوی
متأسفم آرامش تان به هم خورد	پتی یومی کاترل	آرمین کاظمیان	راوی
تفتان زرد	یاشار کمال	عارف جمشیدی	راوی
دبلیو یا خاطرهٔ کودکی	ژرژ پرک	سپهر یحییوی	راوی
هیچ چیز مال تو نیست	ناتاشا آپانا	مهرانگیز شکار دنیار	راوی
پرده‌دری (خیانت)	لیلایا سیگور دور اتیر	زهرا زارعی	راوی
هفت قمر معالی آلمیدا	شهان کاروناتیلاکا	فاطمه تناسان	راوی
شاه بی‌سرگرمی	ژان ژینونو	ناصر وحدتی	راوی
رستوران عشق نوبافته	ایتو آگاو	فرانک حیدریان	راوی
آسمان سرپناه	پل فردریک بولز	عطیه شیرخداپی	راوی
عشق در روزهای قتل عام خوجالی	فرهاد آتیک	عارف جمشیدی	راوی
بین ما	کلر اتکینز	زهرا نوری محمودآباد	راوی
نازار دلیر	مکدریچ سارکسیان	آندرانیک خچومیان	راوی
بوی برف	احمد امید	سولماز ارزبلی	راوی
خواستگاری و داستان‌های کوتاه عرب (مجموعه داستان)	نجیب محفوظ، بهاء طاهر و ...	محمد جواهر کلام	راوی
مردان نامی	ژان رونو	مریم خراسانی	راوی
روشی برای دوست داشتن	دومینیک باربری	نرگس کریمی	راوی
شمال دور دست	مارسل تورو	فاطمه نوروزی	راوی
بهشت و زمین	یون کالمن استفانسون	فرزانه رحیمی	راوی
مادلن پیش از سپیده دم	ساندرین کولت	نرگس کریمی	راوی
دختری با ماشین قرمز	فیلیپ ویلن	علی نساجی زواره	راوی
حکم	لوئیز اردریک	زهرا مهرنیا	راوی
سه دلار	الیوت پرلمن	فرانک حیدریان	راوی
نفت	آپتون سینکлер	یوسف کارگر	راوی
اوتوگی- زوشی افسانه‌های اوسامو دازای	اوسامو دازای	حسین ساکیه	راوی
شیاطین و قدسیان	ژان باتیست آندره‌آ	اصغر نوری	راوی

کارنامهٔ رایبد

اتاق کشمکش (ناداستان)

نام کتاب	نام نویسنده	نام مترجم	اتاق
خشم ما از سرمایه‌داری	برنی سندرز	سهیل رضانژاد	کشمکش
ایران	ایتالو کالوینو	غلامرضا امامی	کشمکش
دولت	رندولف بورن	بصیر علاقه‌بند	کشمکش
هنر خوردن انبه	دنیل لافریر	علی نساجی‌زواره	کشمکش
نوشتن زندگی	آنی دیلارد	زهرا زارعی	کشمکش
ساختن بهشت در جهنم	ربکا سولنیت	زهرا زارعی	کشمکش
دیگر کافی است	لین استالسبرگ	مسعود قدیم‌فلاح	کشمکش
چگونگی تنها بودن	جان‌اتان فرنزن	سیداحمد حسینی	کشمکش
گلوله‌های واشینگتن	ویجی پراشارد	روژان مظفری	کشمکش
بالون‌سوارها	یولا بیس	سپیده خاکسار	کشمکش
آخرین روزهای راجر فدرر	جف دایر	سیداحمد حسینی	کشمکش
آشنایی با اقتصاد سیاسی پوپولیسیم	پتر استانکوف	تقی قیصری و پگاه قیصری	کشمکش
بهای زندگی	دیورا لوی	مارال فرخی	کشمکش
زائر نهر تینکر	آنی دیلارد	سارا قدیمی	کشمکش

کارنامهٔ رایبد

اتاق شخصیت (تئاتر)

نام کتاب	نام نویسنده	نام مترجم	اتاق
عروس	دی. اچ. لارنس	علیرضا شفیعی نسب	شخصیت
وال	ساموئل دی هانتز	آیدین مظفری	شخصیت
سرود دوبلین و نمایشنامه‌های دیگر	کانر مک فرسن	پرستو غفاری	شخصیت
کارها و روزها	میشل ویناور	زیبا خادم حقیقت	شخصیت
اسپیدوی قرمز	لوکاس نیث	بهار توفیقی	شخصیت
آنتیگون	برتولت برشت	محمد رضا خاکی	شخصیت
بازگشت مکرر و چند نمایشنامهٔ دیگر	فردریک براتبرگ	مسعود قدیم‌فلاح	شخصیت
الیزابت دوم	توماس برنهارد	میرهادی مرتضوی	شخصیت
میدان دلاوران	توماس برنهارد	میرهادی مرتضوی	شخصیت
همسایه‌ها: کم‌دی در سه پرده	میشل ویناور	زیبا خادم حقیقت	شخصیت
یادداشت‌های روزانهٔ آلبی ساکس	دیوید ادگار	محمد بادین	شخصیت
سمت جنوب و چند نمایشنامهٔ دیگر	فردریک براتبرگ	مسعود قدیم‌فلاح	شخصیت
لئونس و لنا	کارل گئورگ بوشنر	پرویز جاهد	شخصیت
خیال در دفتر پستی	انلچین افندیف	نوید عظیمی	شخصیت
تله‌های تقدیر	آنتونیو بوئرو باخو	پژمان رضایی	شخصیت
آلیس کوچولو	ادوارد آلبی	افسانه لطفی مقدم	شخصیت
اختتام عشق	پسکل رامبر	زیبا خادم حقیقت	شخصیت
پیچ خطرناک	جی.بی. پریستلی	امین حسینیون	شخصیت
آدمکش	آنتونی شفر	شهرام زرگر	شخصیت

کارنامهٔ رایید

اتاق نوولا (داستان‌های بلند و نیمه بلند خارجی)

نام کتاب	نام نویسنده	نام مترجم	اتاق
یک ماه دور از شهر	جوزف لوید کار	ایمان رهبر	نوولا
خانوادهٔ ووردالاک	آلکسی کنستانتینوویچ تالستوی	محمدعلی رفیعی	نوولا
شبانۀ شبلی	روبرتو بولانیو	ونداد جلیلی	نوولا
سانشوی مباشر	اوگای موری	فرهاد بیگدلو	نوولا
کوه آنالوگ	ژنه دومال	محمدعلی رفیعی	نوولا
اتومبیل خاکستری	آلکساندر گرین	سارینا برخورداری	نوولا
یوشینو، افسانۀ دربار جنوبی	جون ئیچیرو تانیزاکی	فرشاد صحرایی	نوولا
دویست و دهمین روز	سوسه کی ناتسومه	فرهاد بیگدلو	نوولا
بعدها	ادیت وارنون	فریبا ارجمند	نوولا
انجمن خودکشی	رابرت لوئیس استیونسون	محمد جعفرپور	نوولا
الماسی به بزرگی ریتز	اسکات فیتزجرالد	ندا رحمانی	نوولا
زنی در میان تاریکی	دشیل همت	فریبا ارجمند	نوولا
خون آشام	جان پولیدوری	نسیم محمدزمانی	نوولا
در حضور مردها	فرانچسکا مارچانو	نیلوفر ابراهیمی	نوولا
زخم و تشنگی	مارگارت اتوود	مهدی کیا	نوولا
پرسه	ایمره کرتس	ابوالفضل نصری	نوولا

کارنامهٔ رایید

اتاق ایده (علوم انسانی)

نام کتاب	نام نویسنده	نام مترجم	اتاق
عصر انسان آن‌تروپوسین	سیمون ال. لویس و مارک ای. ماسلین	نیک گرگین	ایده
تکنوفئودالیسم: آنچه سرمایه‌داری را کشت	یانیس واروفاکیس	فرهاد اکبرزاده	ایده
پدیدهٔ ولتاژ	ا. جی. لیست	تقی قیصری	ایده
نیچه، روانشناسی و فلسفهٔ اولی	رابرت پی‌پین	مهدی نصراله‌زاده	ایده

اتاق روایت (داستان و رمان فارسی)

نام کتاب	نام نویسنده	اتاق
یک زن تئوری در کافه بیتلز	علی قنبری	روایت
فرشته‌زاده‌ای می‌میرد	مهدی آذری	روایت
کوچ شامار	فرهاد حیدری گوران	روایت
کافه مستشار	تقی قیصری	روایت

اتاق شیوه (هنرهای تجسمی)

نام کتاب	نام نویسنده	نام مترجم	اتاق
بگذار فراموش کنیم	آی وی‌وی	علی قنبری	شیوه
مهتاب درونت را دنبال کن	آلن گینزبرگ	علی قنبری	شیوه
من طبیعت هستم	پپ کارمل	علی قنبری	شیوه

کارنامهٔ رایبد

اتاق هفتم (سینما)

نام کتاب	نام نویسنده	نام مترجم	اتاق
شب مجازی	آدرین مارتین	میلاذ عزیزخانی دانیال زین العابدینی	هفتم
مسیرهای تاریک	کندال آر. فیلیپس	امید برمی، شایان کریمی	هفتم
کتاب روزی روزگاری در آناتولی	نوری بیلگه جیلان	هادی علی پناه	هفتم
۱۹۶۸ و سینمای جهانی	کریستینا گرهارت و سارا سلجوقی	سرپرست مترجمان: شاهین محمدی زرغان	هفتم
کتاب خواب زمستانی	نوری بیلگه جیلان	هادی علی پناه	هفتم
اخلاقیات میکادو: جستاری در باب سینمای میثائیل هانکه	سارا شیش	مینا رحیمی	هفتم
در جست‌وجوی خوشبختی کمدی هالیوودی «ازدواج مجدد»	استنلی کاول	کاوه رضایی، محمدرضا نصیری	هفتم

راه‌های ارتباط با رایبد



 raybodpub.ir



نشانی

خیابان انقلاب، کوچه حسینعلی پور، بن بست برهانی، پلاک ۱۹

ایمیل

info@raybodpub.com

پشتیبانی از طریق واتساپ و تلگرام

۰۹۰۵۱۵۱۳۷۰۲

آدرس اینستاگرام

@roybodpub

شماره تماس

۰۲۱ - ۶۵۰۱۱۵۵۴

تازه‌ها

